

بررسی گفتمان انتقادی در اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام)

زید العابدین نجفی^۱

نورالدین پروین^۲

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی یک رویکرد زبان‌شناسی و نقدی است که براساس آن مسایل قدرت و سلطه به گفتمان‌های متفاوت با اهداف خاص منجر می‌شود که دو جنبه صورت و معنای متن را بررسی می‌کند. ساخت‌های ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان، دارای معانی فراتر از صورت‌های زبانی است. امام سجاد (علیه السلام) دیوان را بعد از فاجعه کربلا در انتقاد از اوضاع خفقان‌آور سیاسی و فرهنگی آن دوره و در بیان مظلومیت اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) سروده است. این پژوهش اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) را با روش توصیفی-تحلیلی تحلیل گفتمان انتقادی و براساس رویکرد نورمن فرکلایف به عنوان روش خاص تحقیق در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی می‌کند. از مهم‌ترین نتایج حاصل از این تحقیق، تبیین آشفتگی‌ها و ظلم‌های جامعه است. گفتمان در اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) چند جنبه مرتبط دارد که در تغییر اوضاع فرهنگی و سیاسی نقشی اساسی داشته است. محور اصلی تمام این تحولات، غنای فرهنگی بر اساس هویت اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلایف، اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام).

۱. استادیار فقه و مبانی حقوق، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) قم، abedin414@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات عرب، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) قم، (نویسنده مسئول)
norudin.parvin@yahoo.com

ادبیات، جزء اصلی جامعه است که زبان آن تحت تأثیر شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن قرار دارد. تحلیل گفتمان به عنوان یک رویکرد زبانی و نقدی به تحلیل ادبیات در ارتباط با اوضاع فرهنگی و سیاسی می‌پردازد. «تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی [زمینه متن] واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی [زمینه فرهنگی و موقعیتی] بررسی می‌کند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸) از آنجا که امام سجاد (علیه السلام) بعد از واقعه کربلا به دلیل خفقان حاکم بر جامعه نمی‌توانست به‌طور مستقیم به تبیین شرایط فرهنگی و سیاسی و فاجعه کربلا بپردازد؛ برای تحقق این امر مهم به دعا و شعر متوسل شد. ایشان در دیوان، تحولات سیاسی و فرهنگی زمانه را بررسی کرده و با برقراری ارتباط میان فرهنگ اسلامی و زبان شعری، راهکارهایی را برای اصلاح این چالش‌ها بیان نموده‌اند.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه تحقیق

در مورد اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) پژوهش‌هایی انجام گرفته است که هیچ‌کدام اشعار ایشان را از نظر پیوند میان صورت و معنای متن بررسی نکرده‌اند.

۱. نعمتی قزوینی، معصومه و پدرام علیمردی (مجله آفاق الحضارة الإسلامية، ۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «دراسة رثاء الحسين (علیه السلام) في أشعار الامام السجاد (علیه السلام)» به بررسی مرثیه اشعار امام سجاد (علیه السلام) می‌پردازند.

۲. رضا افخمی عقدا و دیگران (مجله ادب عربی، ۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مضامین مشترک انسان‌شناسی در صحیفه سجادیه و اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام)» مفاهیم انسان‌شناسی در لابلای اشعار منسوب به امام (علیه السلام) و صحیفه سجادیه را بررسی کرده‌اند.

۳. آفرین زارع در کتاب (۱۳۹۱) ترجمه دیوان اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) نشر سازمان تبلیغات اسلامی اشعار ایشان را ترجمه کرده است.

۴. نورالدین پروین و همکاران (مجله پژوهش‌های قرآنی در زبان و ادبیات، ۱۳۹۵) در مقاله «اقتباسات قرآنی دیوان منسوب به امام سجاد (علیه السلام)، اقتباسات قرآنی و زیبایی‌های ادبی آن را بررسی نموده‌اند.

تحلیل اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) با تکیه بر تحلیل گفتمان انتقادی، علاوه بر تبیین مهم‌ترین ساختارهای زبانی اشعار؛ افکار امام (علیه السلام) را در تعامل با نظام حاکم و اوضاع جامعه نشان می‌دهد.

۱-۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و براساس نظریه نورمن فرکلاف، در سطح توصیفی با تحلیل مهم‌ترین ساخت‌های زبانی (واژه‌ای، دستوری «نحوی») ارتباط آن‌ها را با گفتمان سیاسی- فرهنگی حاکم بر جامعه تفسیر و تبیین می‌کند. در نهایت با توجه به سؤالات نورمن فرکلاف، این پرسش‌ها را پاسخ می‌دهد که امام سجاد (علیه السلام) چگونه میان اوضاع فرهنگی- سیاسی جامعه و سبک گفتمان پیوند ایجاد می‌کند؟ اشعار امام (علیه السلام) از نظر تحلیل گفتمان انتقادی چه تأثیری بر تحولات فرهنگی جامعه داشته است؟

۲. تحلیل گفتمان

در تحلیل گفتمان صرفاً با عناصر لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا یعنی زمینه متن سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و غیره نیز توجه داریم. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸) به تعبیر دیگر پیروان این مکتب چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (متن، عناصر نحوی و زبانی و غیره) و عوامل برون‌زبانی (زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و غیره) بررسی می‌کنند. (بهرام‌پور، ۱۳۷۸: ۱۰)

مفهوم گفتمان در سه بُعد اصلی مطرح است: کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها (شناخت)، تعامل در موقعیت‌های فرهنگی. (تئون ای، ۱۳۸۲: ۱۷) پیروان این رویکرد، ادبیات

را سرشار از اظهارات فرا واقع می‌دانند که پشت آن‌ها حقیقت نهفته است و از این منظر اثر ادبی با انعکاس نظام‌های رفتاری و فرهنگی؛ سند تاریخی به شمار می‌آید و می‌توان آن را تاریخ فعال به شمار آورد. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۳۱-۱۳۳) تحلیل گفتمان، انواعی مختلف دارد که تحلیل گفتمان انتقادی یکی از مهم‌ترین آنها است. از آن‌جا که پژوهش حاضر براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی است؛ در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار دیگر روش‌ها برای بررسی تغییرات سیاسی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و به‌عنوان مرجعی در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷۰) تحلیل گفتمان انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد، بلکه افراد و نهادهایی را که شیوه‌هایی برای معناپردازی از متن دارند، بررسی می‌کند؛ از این‌رو در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان‌کاوی، تجزیه و تحلیل ساختارها و معناهایی که بار ایدئولوژیک دارند، قرار می‌گیرد. (مکاریک، ۱۳۸۲: ۱۶۰)

در گفتمان انتقادی، مردم می‌توانند روابط قدرتی خاص را مشروعیت بخشند (یا آن را به رسمیت نشناسند) بدون این‌که از کاری که انجام می‌دهند، آگاهی داشته باشند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۴۱) فرکلاف سه جنبه یا مرحله را برای تحلیل گفتمان انتقادی از هم تمیز می‌دهد:

۱. توصیف: مرحله‌ای که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد؛ ۲. تفسیر: مرحله‌ای که به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد. (این که متن را محصول فرایند تولید و منبع فرایند تفسیر بدانیم)؛ ۳. تبیین: مرحله‌ای که ارتباط میان تعامل و بافت فرهنگی را به تصویر می‌کشد. (این که چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند) (آقاگل‌زاده؛ غیاثیان، [بی‌تا]: ۴۳-۴۲) با توجه به آن‌چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت متن در تحلیل گفتمان به عنوان نتیجه و محصول ادبیات در نظر گرفته می‌شود؛ از این‌رو عامل به وجود آورنده نیست. و از آن‌جا که ادبیات به عنوان یک حقیقت ماندگار، مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی و سیاسی را بیان می‌کند؛ این مقاله بر آن است که با تکیه بر نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) پردازد.

۳. بررسی و تحلیل اشعار از منظر تحلیل گفتمان انتقادی

۳-۱. مرحله توصیف

مقصود از سطح توصیف، شناخت متن در چارچوب بافت متن و ربط منطقی میان واژگان و معنا است. این پژوهش در تحلیل گفتمان انتقادی اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) به برجسته‌ترین شاخص‌های واژگانی و دستوری براساس سئوالات فرکلاف می‌پردازد.

۳-۱-۱. بررسی لایه واژگانی در تحلیل گفتمان انتقادی

«واژه‌ها می‌توانند معنای خود را از گفتمانی به گفتمانی دیگر تغییر دهند و در هر گفتمان، معنایی تازه و متفاوت پیدا کنند، به همین نحو در یک گفتمان واحد نیز واژه‌های مختلف می‌توانند «معنای واحد» داشته باشند، که در حقیقت پیش شرط اصلی برای معنادار بودن هر عنصر (واژه، تعبیر یا گزاره) محسوب می‌شود.» (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۱۱۸) رابطه لفظ و معنا مانند ارتباط جسم و روح است؛ همان‌گونه که اختلال جسم در روح خلل می‌افکند؛ ضعف و اختلال لفظ نیز موجب اختلال معنی خواهد بود. (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۸۱) واژگان از مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که در اشعار منسوب به امام (علیه السلام) نقشی اساسی در بیان افکار دارد. تناسب واژگان با معنا، یک رویکرد ایدئولوژیک معنادار در اشعار به وجود آورده است؛ مطابق با موقعیت فرهنگی، ساختار و معنای واژگان متناسب با آن تغییر می‌کنند. سادگی واژگان و قابل فهم بودن آن برای همگان نشانه تسلط کامل امام (علیه السلام) در سبک بیان و گفتمان دارد. در این جا به بررسی تکرار مهم‌ترین واژگان با بسامد خاص می‌پردازیم:

۳-۱-۱-۳. واژگانی با بسامد «تضاد»

تکرار واژگان متضاد بر اوضاع آشفته و نابرابر حاکم بر جامعه دلالت دارد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تضاد در دیوان این است که در مقابل هر صفتی که برای نظام حاکم بر جامعه آورده، صفات خود را نیز به تصویر می‌کشد. این تضاد، ایدئولوژی معناداری میان واژگان و اوضاع زمانه ایجاد نموده است، برای مثال:

آل الرسول علی الأقتاب عاریة

هنالک تتلو کُل نفس کتابها

یفرح هذا الوری بعیدهم

ساد العلوج فما ترضی بذل العرب

ونحن أعيادنا مآتمنا

و آل مروان یسری تحتهم نجب

وصار يقدم رأس الأمة الذنب

فیظفر ذو عدل ویرسب فاسق

(دیوان، ۲۰۰۲: ۲۶، ۶۲)

«این مردم در عیدهایشان شاد می شوند اما عید ما غم و اندوه است.

کافران سروری یافتند و عرب به این سروری راضی نمی شود، دم امت بر سر آن پیشی گرفته است.

خاندان رسول خدا بر کجاوه های عریان (بدون پالان و سایه بان) سوار هستند، آل زیاد بر اسبانی نجیب می تازند.

آن جاست (روز قیامت) که هر کس کارنامه اعمالش را می خواند، عادل پیروز، و فاسق مردود می شود.»

امام (علیه السلام) با توصیف غم و اندوه خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در مقابل شادی یزیدیان، حسرت و اندوه شدید خود را از دگرگونی نابه جای اوضاع ابراز می دارد. اندوه در مقابل شادی، سروری و سلطه نالایقان و در مقابل حاشیه نشینی افراد شایسته و لایق و نیز رفاه در مقابل فقر از اسلوب های تضاد برای برجسته سازی معانی متضاد است. علاوه بر نمونه های گفته شد در ابیات بالا امام (علیه السلام) در دیوان، واژگان متضاد را به صورتی گسترده به کار می گیرد؛ برای نمونه:

حالت لفقدهم أیامنا فغدت سوداً، و کانت بهم بیضاً لیالینا

(دیوان، ۲۰۰۲: ۲۲)

«روزگار ما با از دست دادن آن ها دگرگون و تیره گشت، حال آن که با وجود آن ها شب

ما سپید بود.»

این بیت با بیان این نکته که از دست دادن آن بزرگواران چیزی جز تیرگی و اندوه باقی نگذاشته است، به خوبی اوضاع نابه سامان و سرگردان اهل بیت (علیهم السلام) را در قالب واژگان متضاد بیان نموده و هیچ شادی و روشنی را در دنیا نمی بیند، بنابراین دلزدگی از اوضاع فرهنگی و سیاسی زمانه، موجب نوشتار لژی همراه با نوعی تحسّر نسبت به زمان گذشته در اندیشه امام (علیه السلام)

شده است. حضرت با به کارگیری این واژگان، تصویر متناقض و آشفته حاکم بر جامعه را به تصویر می کشد و این رویکرد، ایدئولوژی ای معنادار به اشعار ایشان بخشیده است.

۳-۱-۲. واژگانی با بسامد «غم و تحسّر»

از آنجا که غم شهادت پدر گرامی و یارانش در فاجعه کربلاء و خفقان حاکم بر جامعه، افکار امام (علیه السلام) را متأثر کرده است، بنابراین ایشان میان این اوضاع و واژگان، تناسب معنایی و لفظی به وجود آورده است، برای مثال:

مشوب بالبكاء وبالصراخ	وجلّ سرورها فیما عهدنا
كأنّ الحشا منّی یلدعها الجمر:	وقائلة لما رأتی مسهّدا
لقلت الذی بی ضاق عن وسعه الصدر	أباطن دائی لو حوی منك ظاهراً
	(همان، ۳۲ و ۳۶)

«و بیشتر شادی و خوشحالی دنیا همان طور که تجربه کرده ایم، آمیخته به گریه و آه و ناله (اندوه شدید) است.

گوینده ای هنگامی که مرا بی خواب و شب زنده دار دید، گویی آتش درونم می سوزاند، گفتم:

دردم را پنهان می کنم؛ دردی که اگر تو را آشکارا در بر می گرفت، می گفتم: سیرابم، سینه ام تاب تحمل آن را ندارد.»

به کارگیری واژگان البكاء، الصراخ، مسهّدا و غیره در ابیات ذکر شده و هم چنین ذکر واژگانی مانند نكبة، فجیعة، كأس مرارات، ذعافا، قساوات القلوب، شجی در دیوان افزون بر بیان اندوه و تحسّر، نشان دهنده فضای خفقان آور، بی عدالتی، بی رحمی و ظلمی می باشد که بر جامعه حاکم شده است. این ابیات سوزناک و پردرد، زائیده حادثه کربلا و شهادت عزیزان و اسارت بازماندگان اهل بیت (علیهم السلام) است.

۳-۱-۳. واژگانی با بسامد «ناپایداری و بی ثباتی دنیا»

از مهم ترین واژگانی که در اشعار حضرت نقش منحصر به فرد دارد، کلماتی است که دلالت بر فنا و زوال دنیا دارد، مانند:

فجّد ولا تغفل فعيثك زائل
ونحن وكلّ من فيها كسفر
أیغترّ الفتی بالمال زهواً
ویفنی ما حواه المرؤ أصلاً
وأنت إلى دار المنیة صائر
دنا ممّا الرّحیل علی وفاز
وفیه ما یفوت من اعتزاز
وفعل الخیر عند الله باقی

(دیوان، ۲۰۰۲: ۳۹، ۴۴، ۵۶)

«پس تلاش کن و غافل مباش که زندگی تو از میان رفتنی است و تو به سوی سراپرده مرگ روان هستی.

و ما و همه کسانی که در دنیا هستند، مانند سفری که هنگام کوچ به سرعت به ما نزدیک شده است.

آیا جوان با کبر و غرور به مالی که دارد، فخر فروشد، در حالی که عزت آن دارایی از میان می‌رود؟

آنچه انسان گرد آورد، از میان می‌رود، و کار نیک نزد خداوند باقی می‌ماند و جاودانه می‌شود.»

این واژگان جنبه هشدار و بارمعنایی آگاهی و بیداری داشته و از این طریق به لطافت کلام می‌افزاید. علاوه بر تناسب و هماهنگی میان معنا و واژگان، موسیقی خاصی در اشعار ایجاد کرده که برای خواننده ملالت‌آور نیست. این واژگان، دو وجه معنایی دارند: از یک سو هشدار به آدمی است که اسیر جاذبه‌های فریبنده زندگی نشود و از دیگر سو تعریض به کسانی است که در برابر پول و وعده‌های حاکمان بنی‌امیه شرف و آزادگی خود را به کم‌ترین قیمت فروختند و از این جهت تعریض به عاملان فاجعه کربلا و فضای خفقان‌آور جامعه نیز بوده است. بنابراین در این ابیات امام (علیه السلام) نگاه فلسفی و حکیمانه خویش درباره زوال دنیا و مرگ را بیان کرده است.

۳-۱-۴. واژگانی با بسامد «فخر به نیاکان»

از مهم‌ترین موضوعاتی که امام (علیه السلام) در اشعارش به آن می‌پردازد، فخر و مباهات به اهل بیت (علیهم السلام) و نیاکان بزرگوارش است. برای مثال در ابیات زیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به «البدر» و اهل

بیت (علیه السلام) را به العروة الوثقی و معدن التقی و خیر حبال العالمین تشبیه کرده است:

وقد رفعوا رأساً له فوق ذابل
کما البدر يبدو فی علو سماء
هم العروة الوثقی و هم معدن التقی
و خیر حبال العالمین وثیقها
فمن شرف الأقوام يوماً برأیه
فإن علیاً شرفته المناقب

(همان، ۱۷-۲۵)

«همان گونه که قرص کامل ماه در بلندای آسمان نمایان است، سر ایشان را بر فراز نیزه برافراشتند.

اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستاویز استوار، معدن پرهیزکاری، بهترین و محکم ترین ریسمان عالم به شمار می روند.

اگر کسانی هستند که با ستایش و مدح دیگران بزرگ و ارجمند شده اند، صفات نیک و عالی خود علی (علیه السلام) را به عزت و بزرگی رسانیده است.»

یکی از شاخصه های برجسته اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) فخر به نیاکان می باشد که به صورت آگاهانه و در قالب صنعت استعاره و تشبیه بیان شده است. در این ابیات، اهل بیت (علیهم السلام) دستاویز محکم و معدن پرهیزگاری و مانند آن دانسته شده اند و تشبیه سر مبارک امام حسین (علیه السلام) بر بالای نیزه ها بر این دلالت دارد که امام (علیه السلام) فاجعه کربلا را از نزدیک لمس کرده و در حالت انفعالات روحی دردناکی قرار داشته است. امام سجاد (علیه السلام) با این اوصاف، علاوه بر این که وابستگی و افتخار خویش به نیاکانش را بیان می کند، دلستگی و تحسر خود را نیز با مدح و فخر به آن ها تسلی می بخشد. لازم به ذکر است، فخر، عملی ناستوده است که در بسیاری از مکاتب آن را ناپسند می دانند؛ زیرا فخر به نیاکان، نشانه ضعف گوینده است، ولی فخر امام سجاد (علیه السلام)، فخری معنوی و دربردارنده ارزش های اسلامی و اخلاقی و دینی است که احادیث و روایات، صحت آن را تأیید می کند.

۳-۱-۵. جنبه رسمی یا عامیانه داشتن واژگان

از آن جا که محور اصلی کلام امام (علیه السلام) در دیوان، نقد شدید اوضاع حاکم، فاجعه کربلا و ارائه برنامه ای برای هدایت انسان است، موقعیت کلام، رسمی بودن را اقتضا می کند. بنابراین

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های گفتمان در اشعار، استفاده از زبان رسمی است. امام (علیه السلام) دیوان را با سبکی محکم و فصیح و به دور از زبان محاوره سروده است که با فضای ظلم جامعه و موقعیت کلامی تناسب دارد. همانطور که فرکلاف می‌گویند: «رسمی بودن موقعیت، اقتضا می‌کند روابط اجتماعی نیز رسمی باشد و این امر در واژگان (و دیگر حوزه‌ها) آشکار است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۰) ارتباط صاحبان قدرت با مردم، گفتمان فرهنگی را شکل می‌دهد و کلام عامیانه بر رابطه همبستگی بین ادیب و مخاطب دلالت دارد، این در حالی است که یزیدیان با ایجاد فضای سلطه‌جویانه و حاکم‌محوری، همبستگی موجود در جامعه را از میان برده بودند. امام (علیه السلام) در چنین شرایطی با توجه به موقعیت اجتماعی حاکم بر جامعه، به بیان خفقان سیاسی و فرهنگی در قالب گفتمانی کاملاً رسمی می‌پردازد.

۳-۱-۶. بررسی جنبه استعاری واژگان در تحلیل گفتمان انتقادی

جنبه استعاری واژگان از مهم‌ترین لایه‌های مورد بررسی در نظریه فرکلاف است که نقشی مهم در بیان و تبیین وضعیت فرهنگی و سیاسی جامعه دارد؛ زیرا «پوشیده‌گویی گاه به خاطر یک ضرورت اخلاقی و فرهنگی و گاه یک ضرورت سیاسی است؛ به‌ویژه آن‌گاه که اخلاق اجتماعی ایجاب کند یا ناگزیر از گفتن ناگفتنی‌ها باشیم، استعاره این امکان را فراهم می‌کند که گوینده، مقصود خویش را پوشانده و به صورت ضمنی بیان کند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۳۹) بنابراین استعاره، زمینه بیان مقصود ادیب را در همه حال فراهم می‌کند. با تأمل در اشعار مشخص می‌شود امام (علیه السلام) بر استعاره تشخیصیه تکیه داشته‌اند که نمونه‌های آن در ادامه بیان می‌شود:

إِنَّ الزمان الذی قد کان یضحکنا بقرههم صار بالتفریق یبکینا

(دیوان، ۲۰۰۲: ۲۲)

«روزگاری که ما را با نزدیکی به پدران و دودمان‌مان شاد می‌کرد و می‌خنداند، با پراکنده کردن و جدایی ما را می‌گریاند.»

امام سجاد (علیه السلام) زمان را به انسان تشبیه کرده است که موجب خنده و گریه می‌شود، اما در واقع مقصود ایشان بیان ستم بنی‌امیه است که خنده را بر لب اهل بیت (علیهم السلام) به گریه تبدیل

کرده، بنابراین امام علیه السلام با زبان استعاری این کار را به زمانه نسبت می دهد حال آن که مقصود، حاکمان بنی امیه است.

وقادتک المعاصی حیث شئت و ألفتک امرءا سلس القیاد

(دیوان، ۲۰۰۲: ۳۳)

«گناهان، تو را هر جا که خواهند به پیش رانند و تو را انسانی رام خود سازند.»
«المعاصی» استعاره مکنیه است که براساس آن امام علیه السلام گناهان را به انسانی هدایت گر تشبیه نموده است.

فما صرفت کفّ المنیة إذ أتت مبادرة تهوی إلیه الذخائر

(همان، ۳۸)

«گنجینه های آدمی دست مرگ را که به او میل کرده بود، بازگرداند.»
چنان که در ابیات بالا دیدیم، استعاره ها با تشخیص همراه است و بر آن دلالت دارد که زوال و مرگ در دنیا جاری است و هر موجودی را در برمی گیرد، در حالی که ما از آن غافل هستیم. امام علیه السلام استعاره را با انگیزه تغییر اوضاع ظالمانه حاکم بر جامعه به کار گرفته اند. ایشان با این بیان که زمانه به ما می خندد و گناهان، ما را رهبری می کند و مرگ همه انسان ها را در برمی گیرد، جامعه را به تغییر نظام حاکم فرا می خواند؛ زیرا یکی از کارکردهای اصلی استعاره، «برانگیختن مخاطب است، به این معنی که توجه شنونده را به موضوع جلب می کند، باعث شور و هیجان و انگیزه در شخص می شود و او را به پذیرش عقیده یا انجام عملی یا به واکنش درباره چیزی و او می دارد.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۳۹) و از آن جا که شرایط فرهنگی و سیاسی زمانه، به امام علیه السلام اجازه نمی داد، به طور صریح مقصود خود را بیان نماید؛ استفاده از استعاره، زمینه ای را فراهم کرده است که ایشان به صورت پوشیده و غیرمستقیم، مقصود خویش را به جامعه عرضه نماید.

۳-۱-۲. بررسی لایه دستوری (نحوی) در تحلیل گفتمان انتقادی

افزون بر سطح واژگانی، ساختارهای دستوری نیز در سخن ایدئولوژیک اهمیتی خاص دارد. ایدئولوژی خود را بر روابط نحوی کلمات تحمیل می کند و نوعی خاص از ساختار

را برمی‌گزیند که آشکار و صریح نیست. این صورت‌های نحوی در گفتمان‌های مختلف ایدئولوژیک، کاربردهای مختلف با مقاصدی متفاوت دارند. (Haynes, ۱۹۹۵: ۶۰؛ به نقل از فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۵۸) یکی از مهم‌ترین لایه‌های مورد بررسی تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس نظریه فرکلاف، جنبه دستوری است که به شیوه‌های مختلف تحلیل می‌گردد. در این بخش به بررسی جملات «پرسشی و ندایی» و کاربرد «ضمیر» به عنوان بارزترین ویژگی‌های سبکی دستوری پرداخته می‌شود.

۳-۱-۲-۱. بازنمایی اسلوب ندا در تحلیل گفتمان انتقادی

اسلوب ندا به عنوان یکی از ارزش‌های رابطه در نظریه فرکلاف نقشی مهم در بیان دیدگاه و مقصود ادیب دارد؛ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰) زیرا از مهم‌ترین انگیزه‌های به کارگیری ندا جلب توجه مخاطب به امری مهم است. امام (علیه السلام) در دیوان منسوب به ایشان با استفاده از منادی به انتقاد از جامعه و حق‌کشی موجود در آن می‌پردازد:

فقابلهم یا ربّ عدلاً بفعلهم	ایا من تعالی فوق کلّ سماء
یا جدّنا اُردوا اُبی متدللاً	قتیلاً و فی الأحشاء حرّ ظماء
فخذ حقّنا یا جدّنا منه فی غدٍ	و فی یوم حشر یوم فصل قضاء

(دیوان، ۲۰۰۲: ۱۷)

«هان ای آن‌که از هر آسمانی بلندتر هستی، ای پرودگارم، عمل آن‌ها را با عدالت، تلافی کن.»

ای جد ما! پدرم را در حالی که درونش (جگرش) از گرمای تشنگی می‌سوخت، تنها و بی‌یاور به شهادت رساندند.

پس ای جد ما حکمان را در روز قیامت و در روز حشر و روز جزا و دادگاه الهی از آن‌ها بستان.»

امام (علیه السلام) در این ابیات به‌طور صریح با به کارگیری اسلوب ندایی و تکرار و تأیید آن بر حق از دست رفته و فاجعه کربلا تأکید می‌نماید. ایشان با منادی قرار دادن خداوند و جد بزرگوارش، گویا در زمانه، هم‌زمانی ندارد، بلکه همه از این امر مهم غافل هستند. و ندا بر

خفقان سیاسی حاکم بر جامعه دلالت می‌کند که کسی جرأت بیان آن را ندارد؛ بنابراین امام (علیه السلام) گفتمان انتقادی خویش را در ساختار عاطفی و دعایی منادی القا می‌نماید.

۳-۲-۲. بررسی جملات پرسشی در تحلیل گفتمان انتقادی

در نظریه فرکلاف، پرسشی بودن جمله‌ها از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که در لایه دستوری بررسی می‌شود. استفهام، آرایه‌ای بلاغی است که از پرکاربردترین اسلوب‌های انشایی بوده و از مهم‌ترین انگیزه‌های آن، تأکید بسیار برای به تفکر واداشتن مخاطب و تعمق بخشیدن به خواننده است، برای مثال ابیات زیر را در نظر بگیرید:

فهل تری الدار بعد البعد آنسه؟	أم هل يعود كما قد كان نادينا
هل الدنيا وما فيها جميعاً	سوى ظل يزول مع النهار
أين الأعظمون يدأ وبأساً؟	و أين السابقون لدى الفخار؟

(همان: ۳۵)

«آیا منزلگاه را بعد از دوری (جانان) مونس می‌یابی و آیا انجمن ما آن‌گونه که بود، باز خواهد گشت.

آیا این دنیا و همه آن‌چه که در آن است، چیزی جز سایه‌ای است که با آمدن روز از بین می‌رود؟

کجا هستند بزرگان بخشنده و دلیر و کجایند آنان که برای رسیدن به فخر و بزرگی از یکدیگر پیشی می‌گرفتند؟»

معنای حقیقی استفهام، فهم امر مجهول است، ولی در گفتمان‌ها با توجه به مقصود ادیب از معنای حقیقی به معنای مجازی و اهداف بلاغی تغییر می‌کند. استفهام موجود در دو بیت اول می‌کوشد از مخاطب اقرار گیرد و در بیت سوم مقصود از استفهام، آگاهی دادن به مخاطب و واداشتن او به فکر و تأمل است. در واقع هدف امام (علیه السلام) از به کارگیری اسلوب استفهام در معنای مجازی به تفکر واداشتن مردم در مورد اوضاع فرهنگی و سیاسی زمانه، عاقبت امور و ایجاد زمینه از بین بردن آشفتگی‌ها و حاکم کردن هویت اسلامی در جامعه به‌شمار می‌رود.

۳-۲-۱. بررسی به کارگیری «ضمیر» در تحلیل گفتمان انتقادی

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های نظریه فرکلاف این است که: آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده و هدف از به کارگیری آن‌ها چه بوده است؟ در سبک‌شناسی از دو گونه سبک شخصی و گروهی یاد می‌شود. مباحث شخصی چندان به قلمرو گفتمان جمعی مرتبط نیست؛ بنابر نظر مشهور، گفتمان، نمی‌تواند مقوله‌ای شخصی باشد، اما سبک عمومی، محصول گفتمان و متأثر از جامعه و بافت زندگی جمعی است. نویسندگان و شاعرانی که درون یک گفتمان مسلط و یک ایدئولوژی زندگی می‌کنند، زیر سیطره گفتمان عمومی قرار دارند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۵۶)

یوم القيامة، ما کنتم تقولونا؟	لو أننا ورسول الله یجمعنا
ونالوا بنا -والله- کلّ مناء	والی جَدْنَا نَشْكُو عُدَاةَ تَحَكُّمُوا
قد کان خیراً من حسین وأکرما	قتلتم علی الطهر حیدرة الرضا
	(دیوان، ۲۰۰۲: ۱۷، ۲۱)

«اگر در روز قیامت رسول صلی الله علیه و آله ما را گرد خود آورد، آن وقت چه خواهید گفت؟ به خدا سوگند از دشمنانی که مستبدانه بر ما چیره شدند و به ما آسیب رساندند و به هر آرزویی دست یازیدند، به جدمان شکایت می‌کنیم.

علی پاک، آن (شیر خدا) را کشتید؛ به تحقیق او بهتر از حسین در کربلا بود.» همان‌گونه که در آیات مشاهده شد، امام علیه السلام در دیوان از ضمایر جمع به خوبی بهره می‌برد. حضرت ضمیر متکلم مع‌الغیر را برای بیان حال خود و ضمیر خطاب جمع را برای یزیدیان به کار می‌گیرد. استفاده از ضمیر متکلم مع‌الغیر بر این دلالت دارد که افراد، مشخص و محدود هستند و استفاده از ضمیر مخاطب جمع بر بی‌شمار بودن ظالمان در جامعه و سلطه آن‌ها دلالت دارد. فرکلاف معتقد است: «در تحلیل گفتمان انتقادی موردی دیگری که کوشش برای بسط و گسترش روابطی که به صورت ضمنی طرح شده‌اند، مفید به نظر می‌رسد هنگامی است که ضمیر شما (you) مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر در ارتباطات جمعی نیز مصداق دارد و آن هنگامی است که مخاطبان بالفعل و بالقوه بسیار فراوان وجود دارند که

هویت آن‌ها برای تولیدکننده ناشناخته است.» (ایزدی، ۱۳۷۹: ۱۹۶) گفتمان حاکم بر گفتار امام (علیه السلام) وضعیت فرهنگی - سیاسی جامعه را به خوبی تداعی می‌کند؛ به این صورت که خود، خانواده و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در یک سو قرار می‌دهد و در طرف مقابل، جمع بسیار دشمنان را ترسیم می‌کند و با اشاره به شهادت امام علی (علیه السلام) که پیش از امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیده است، این پیام را می‌دهد که دشمنی با حق و عدالت، جریانی تاریخی دارد که حتی علی (علیه السلام) هم با همه برتری بر دیگر امامان (علیهم السلام) از مصایب آن در امان نماند.

۳-۲. لایه تفسیر

گفتمان‌ها و متون مربوط به آن‌ها دارای تاریخ هستند و به مجموعه‌های تاریخی وابسته هستند. در تفسیر، بافت بینامتنی به این بستگی دارد که متن را به کدام مجموعه متعلق بدانیم و در نتیجه چه چیزی را میان مشارکان زمینه مشترک و مفروض بخوانیم. پذیرش بافت بینامتنی مستلزم این است که به گفتمان‌ها و متون از دریچه چشم انداز تاریخی نگریسته شود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۰-۲۳۵) از آنجا که در تحلیل گفتمان انتقادی بررسی ساختار متنی کافی نیست؛ بلکه از دیدگاه فرامتنیت و تعامل آن با اجتماع بررسی می‌شود، بنابراین در سطح تفسیر به بررسی متن در ارتباط با متون دیگر به عنوان پیش فرض می‌پردازد که نقش اساسی در تعیین و تبیین گفتمان دارد. امام (علیه السلام) در گفتمان منظوم خود متأثر از قرآن کریم، صحیفه سجاده بوده است.

۳-۲-۱. قرآن کریم

امام سجاد (علیه السلام) با تمسک به قرآن کریم به عنوان محور اصلی گفتمان در اشعار سعی در جلوگیری از انحرافات حاکم بر جامعه و هدایت آن به سوی حقیقت و حقانیت دارد و با یادآوری روز قیامت و ناپایداری ظلم و دنیا از قرآن وام می‌گیرد. در ادامه به نمونه‌هایی از آن پرداخته می‌شود:

وَأُبْلِسَ مُحْجَاغٍ وَأُخْرَسَ نَاطِقٍ

یقیم علی إصراره وینافق

إِذَا نُصِبَ الْمِيزَانُ لِلْفَصْلِ وَالْقَضَا

وَقَطَّعَتِ الْأَسْبَابُ مِنْ كُلِّ ظَالِمٍ

(دیوان، ۲۰۰۲: ۶۲-۶۳)

«هنگامی که ترازوی عدل الهی برای قضاوت برپا شود، انسان ستیزه‌جو ناامید می‌گردد و انسان‌های سخنور لال می‌شوند.

و هر انسان ظالمی که بر گناه خود پافشاری می‌کرد و نفاق می‌ورزید، دستش از اسباب کوتاه و بریده می‌گردید.»

امام (علیه السلام) با اشاره به عدالت خداوند در روز قیامت، ناامیدی ظالمان را به تصویر می‌کشد. این آیات متأثر از قرآن کریم است. بیت اول اقتباس از این آیه مبارکه است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ (ابراهیم/۴۲)؛ «و خدا را از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل مپندار. جز این نیست که [کیفر] آنان را برای روزی به تأخیر می‌اندازد که چشم‌ها در آن خیره می‌شود (بدون حرکت می‌ماند).» و بیت دوم اقتباس از مضمون این آیه مبارکه است: ﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا رَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾ (بقره/۱۶۶)؛ «آن گاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند، و میانشان پیوندها بریده گردد.»

إذا كان هذا نهج من كان قبلنا
فما هذه دار المقامة فاعلمن
فإننا على آثارهم نتلاحق
ولو عمر الإنسان ما ذرّ شارق

(دیوان، ۲۰۰۲: ۵۸)

«اگر این (مرگ) روش و مسلک کسانی است که قبل از ما زیسته‌اند پس ما هم در پی آن‌ها خواهیم رفت و به آن‌ها خواهیم پیوست.
اگر آدمی تا زمانی که خورشید طلوع می‌کند عمر کند، با اطمینان و یقین بدانید که دنیا، سرای اقامت نیست.»

مضمون آیات بالا برگرفته از این آیه قرآن کریم مبنی بر بی‌اعتباری دنیا است: ﴿وَكُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن/۲۶-۲۷)؛ «هر چه بر [زمین] است فانی شونده است. و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند.»

عنا كل ذي عزّ لعزة وجهه
فكلّ عزيز للمهمّن صاغر

(همان، ۳۹)

«هر عزیز و ارجمندی در برابر عزت او خوار بوده و هر عزیزی در نزد خداوند چیره،

کوچک و بی‌مقدار است.»

در این بیت به عظمت حضرت حق اشاره می‌کند که هر بزرگ و صاحب عزتی در مقابل خداوند خاضع و کوچک است و خداوند بر همه چیز مسلط می‌باشد و همه عزت‌ها به او بازمی‌گردد. این مضمون نیز برگرفته از مضامین قرآن کریم است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ﴾؛ «و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست.» (مائده/۴۸)

هدف اصلی امام (علیه السلام) در این اشعار، تغییر ایدئولوژی حاکم بر جامعه براساس مفاهیم قرآنی است. محور اساسی در گفتمان انتقادی امام (علیه السلام) حکمت و اعتقاد به حق‌گیری الهی به شمار می‌آید، بنابراین با بازگشت به قرآن، سعی در برجسته نمودن هویت اسلامی دارد. از دیگر سو پیام و استدلال خود را بر پایه مفاهیمی قرار می‌دهد که مخالفان اهل بیت (علیهم السلام)، نه تنها قدرت مخالفت با آن را ندارند، بلکه با فریبکاری مدعی دفاع از آن هستند.

۳-۲-۲. صحیفه سجادیه

اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) دارای مضامینی مشترک با صحیفه سجادیه است؛ زیرا در دو اثر به اوضاع فرهنگی و سیاسی زمانه، فضیلت‌های اخلاقی اسلامی، مفاهیم معنوی و ناپایداری ظلم و دنیا و غیره می‌پردازد و تقریباً نمی‌توان مضمونی را در اشعار پیدا کرد که در صحیفه سجادیه نیامده باشد. در این جا به دو نمونه اشاره می‌شود و از ذکر بقیه خودداری می‌کنیم:

وَأَنْتَ عَلَى الدُّنْيَا مُكَبُّ مَنْافِسُ لَخَطَابُهَا فِيهَا حَرِيصٌ مَكَاتِرُ

(دیوان، ۲۰۰۲: ۳۷)

«و تو به این دنیا روی آورده‌ای و در آن به رقابت می‌پردازی و به کارهای سخت و دشوار

آن حریص و زیاده‌طلب هستی.»

بیت به ناپایداری دنیا و حریص بودن انسان‌ها و زیاده‌طلبی آن‌ها اشاره می‌کند که این

مفهوم در این فقره از صحیفه سجادیه ذکر شده است: «وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا، وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا...» (سجاد، ۱۳۸۴: ۸۷)، «و چون روزهای عمر سپری شود و مدت زندگی به سر آید و دعوت تو حضور ما را لازم شمرد، ما به ناچار آن دعوت را اجابت کنیم.»

أَتَيْتُ بِأَعْمَالٍ قَبَاحٍ رَدِيئَةٍ فَمَا فِي الْوَرَى خَلْقَ جَنَى كَجَنَانِيَّتِي

(دیوان، ۲۰۰۲: ۷۵)

«با کردارهایی زشت و بد آمده‌ام گمان نمی‌کنم کسی در میان مردم گناهانی مانند من مرتکب شده باشد.»

در این بیت، امام علی (علیه السلام) خود را از همه مردم گناه کارتر می‌داند که این مضمون در صحیفه سجادیه بیان شده است: «وَلَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ، وَأَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ...» (سجاد، ۱۳۸۴: ۳۴۵)، «و اگر کسی را توانایی آن بود که از پروردگارش بگریزد، بدون شک من به گریختن از تو سزاوارتر بودم. هیچ رازی در آسمان و زمین بر تو پوشیده نیست.»

روح حاکم بر زمانه لایه‌لای این واژگان و مفاهیم قرآنی و صحیفه سجادیه آشکار شده و موجب به‌وجود آمدن اثری گشته که در عین سادگی، داری ساختاری مستحکم و اثرگذار است؛ زیرا در گفتمان انتقادی انتخاب واژگان و مفاهیم نقش اساسی دارد، یعنی هر نوع گفتمان، زبان مخصوص به خود را می‌طلبد. از آن‌جا که هدف اصلی در این اشعار، اصلاح جامعه براساس بازگشت به اسلام ناب نبوی (صلی الله علیه و آله) است، بنابراین تکیه بر قرآن و صحیفه سجادیه نقشی اساسی در تحقق اهداف مورد نظر دارد.

۳-۳. لایه تبیین

تحلیل گفتمان انتقادی از سطح توصیف متن، به قلمرو تبیین رابطه محتوای متن با بیرون متن می‌رود و به دنبال کشف مناسبات زبان و قدرت، انگیزه ایدئولوژیک در زبان، عوامل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۵۴) مرحله تبیین، بازتولید دو مرحله تفسیر و توصیف است که هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک

فرآیند اجتماعی است و نشان می‌دهد چگونه ساختارهای فرهنگی، گفتمان را تعیین می‌بخشد. بنابراین، تبیین، عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت. (نیستانی، ۱۳۷۹: ۲۴۵) دگرگونی‌های سیاسی و فرهنگی سال‌های پس از حاکمیت یزید و آشفتگی ناشی از آن و بی‌مسئولیتی افراد جامعه در برابر شرایط موجود، موجب شد امام (علیه السلام) شعر را برای تغییر اوضاع حاکم به کار گیرد، به‌طوری که گفتمان حاکم بر ابیات امام (علیه السلام) تعهد اجتماعی و فرهنگی و بازتابی از خفقان سیاسی زمانه است.

گفتمان شعری نقش اساسی در تغییر روند مبارزه سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه دارد. اشعار منسوب به امام سجاد (علیه السلام) بازتاب جامعه عرب بعد از فاجعه کربلا و بازنمایی اوضاع ظالمانه‌ای است که بر همه جنبه‌های زندگی حاکم شده بود. در نتیجه این شرایط، خاندان اهل بیت (علیهم السلام) پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش در معرض چالش‌های ابهام‌برانگیز جامعه بودند؛ زیرا یزیدیان با انگیزه‌های دنیاطلبی و خودمحوری با استفاده از حاکمیت سیاسی گفتمان‌های جامعه را تعیین می‌کردند. امام سجاد (علیه السلام) بعد از فاجعه کربلا، زمانی که ظلم یزیدیان به نهایت رسیده بود در یک گفتمان خاص و به‌طور عمده ایدئولوژیک به آفرینش شعر دست زده است؛ به گونه‌ای که اشعار ایشان، تجلی‌گاه وقایع سیاسی و فرهنگی جامعه است. انتخاب واژگان با بسامدهای متفاوت، نشان‌دهنده اوضاع نابسامان زمانه‌اش دارد و ستم‌دیدگی و مظلومیت مسلمانان را بیان می‌نماید.

با توجه به آن چه گفته شد؛ به دلیل سیطره عیاشی و ثروت‌اندوزی بر جامعه، امام (علیه السلام) با اشعار حکمت‌آمیز و فرهنگ اسلامی سعی در غنای فرهنگی مردم داشته و اوضاع سیاسی و سطح فرهنگی را در قالب اشعار به تصویر کشیده است. این موضوعی است که از مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان انتقادی به شمار می‌آید. در واقع تأثیر این اشعار و خطبه‌های حضرت زینب موجب قیام‌های علیه ظلم و سرنگونی بنی‌امیه و انتقام از آن‌ها شد.

نتیجه‌گیری

دیوان منسوب به امام سجاد (علیه السلام) به بیان ظلم یزیدیان در کربلا، وقایع تاریخی مانند شهادت امام علی (علیه السلام) مصایب و مظلومیت امامان معصوم (علیهم السلام) در طول تاریخ، زوال دنیا و برحذر بودن از آن، تحقق وعده الهی در برپایی قیامت، از میان بردن ظلم و با طلب آمرزش و دعا به پایان می‌رسد. مهم‌ترین موارد بررسی شده براساس دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه نورمن فر کلاف به شرح ذیل می‌باشند:

۱. در مرحله توصیف، از مهم‌ترین ویژگی‌های واژگان در دیوان با توجه به مفهوم کلام، تغییر واژگان است. این تناسب معنایی و سبکی میان واژگان برانسجام و قابل فهم بودن آن می‌افزاید و از آنجا که فضای حاکم بر جامعه، گفتمان را تعیین می‌کند، بنابراین پیام‌ها با انتخاب واژه‌های رسمی و پرهیز از عوام‌زدگی در قالب پوشیده‌گویی و انتخاب زبان مجازی به جای زبان حقیقی و استفاده از استعاره، به مخاطب القا شده است. در جنبه دستوری، امام (علیه السلام) بیشتر از جملات انشایی (ندا و استفهام) برای بیان مقصود خود استفاده نموده است؛ زیرا ندا در جلب مخاطب برای امر مهمی که از آن غافل شده است، نقشی اساسی دارد. هم‌چنین استفهام با واداشتن مردم به تفکر بیش‌تر درباره اوضاع حاکم بر جامعه و ناپایداری دنیا، به گفتمان امام (علیه السلام) که هدف آن بر ملا کردن فاجعه کربلا و تغییر وضعیت فرهنگی و سیاسی می‌باشد، ایدئولوژی معناداری بخشیده است؛

۲. در مرحله تفسیر، امام سجاد (علیه السلام) متأثر از سبک قرآنی و صحیفه سجادیه است. محور اساسی کلام ایشان حکمت و اعتقاد به عدالت الهی می‌باشد که با به کارگیری واژگان و مفاهیم قرآنی و صحیفه سجادیه می‌کوشد هویت اسلامی و ناب نبوی (صلی الله علیه و آله) را ترویج دهد؛

۳. در مرحله تبیین به عنوان بازتولید دو مرحله قبل، امام سجاد (علیه السلام) به تبیین آشفتگی‌ها و ظلم‌های جامعه پرداخته است. گفتمان در اشعار امام سجاد (علیه السلام) نقشی بنیادی در تغییر اوضاع فرهنگی و سیاسی داشته است. محور اصلی این تحولات، غنای فرهنگی بر اساس روح اسلامی و آگاهی دادن به مردم، تغییر فضای خفقان‌آور جامعه با قیام‌هایی مانند قیام مختار ثقفی و بیان برنامه و اهدافی خاص برای هدایت انسان با اثرپذیری از قرآن و احادیث و غیره می‌باشد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. آقا گل زاده، فردوس؛ غیاثیان، مریم سادات [بی تا]، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، مجله زبان و زبان شناسی، صص ۴۰-۵۴.
۲. ایزدی، پیروز (۱۳۷۹)، «تحلیل انتقادی در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل گر، تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف»، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، صص ۲۱۱-۱۶۷.
۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱)، نقد ادبی، تهران: امیر کبیر.
۴. سجاد، علی بن الحسین (۱۳۸۴)، صحیفة کاملة سجادية امام علی بن الحسین (علیه السلام)، ترجمه و شرح: علامه آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی، قم: انتشارات قائم آل محمد (علیه السلام).
۵. _____، (۲۰۰۲)، دیوان امام سجاد (علیه السلام)، تحقیق: ماجد بن أحمد العطیة، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶. _____، (۱۳۹۱)، ترجمه دیوان امام سجاد (علیه السلام)، تحقیق: ماجد بن أحمد العطیة، ترجمه دکتر آفرین زارع، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۷. فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، سبک شناسی نظریه‌ها؛ رویکردها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن.
۸. فان دایک، آدریانوس (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۹. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۰. مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات ادبی از افلاطون تا عصر حاضر، تهران: فکر روز.
۱۱. بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۸)، درآمدی بر تحلیل گفتمان؛ مجموعه مقالات گفتمان و

تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان، صص ۶۴-۲۱.

۱۲. مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۵)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگاه.

۱۳. مک‌دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین علی نودری، تهران: فرهنگ گفتمان.

۱۴. نیستانی، محمود (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل گر، تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلایف، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، صص ۲۱۴-۲۵۲.

15. Haynes, John (1995) *style*, London & New York: Rutledge.

16. Fairclough, Norman (1995), *Critical Discourse Analysis*, Singapore.

17. _____, (1989), *Language and Power*, London: Longman.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی